

دوران اوج روابط ایران با کشورهای خارجی مربوط به روزگار شاه عباس است. این شخص به دلیل جاه طلبیهایی که داشت و نیز از این بابت که عثمانیها مناطق غرب ایران را تصرف کرده بودند دولت عثمانی را چون سدی بزرگ در سر راه خود احساس می کرد و برای برداشتن این سد حاضر به هر کاری بود.

چگونه جلفای توجه خاص شاه عباس بر ارامنه جلفا، سبب شد که ارمنیان اصفهان وسعت و شهر های دیگر ایران نیز باصفهان روی آوردند؛ و در اندک اهمیت یافت زمان بر جمعیت و وسعت جلفا افزوده شد، و چون مردم آنجا از پرتو کار و تجارت مالدار شدند، بساختن خانه ها و کاروانسرا ها و کلیسا های بزرگ همت گماشتند.

شاه پس از شنیدن درخواستهای علماء و مردم، اعلام کرد که به آنان اطلاع دهنده که با خواستهای آنان موافقت شده است. فرمان تأسیس دارالشوری را صادر کرد. تکیه اساسی این فرمان بر تأسیس مجلس شورای ملی بود و چون مردم از آن خشنود نبودند و آن را کافی نمی‌دانستند شاه فرمان دیگری صادر کرد.

بودجه سالانه کشور

از آنجاکه درآمد دولت‌ها در طول سال مقدار محدود و معینی است، یکی از وظایف دولت آن است که این درآمد محدود را به تناسب نیازهای گوناگون کشور بین سازمانهای دولتی تقسیم کند. برای این منظور دولت درآمدها و هزینه‌های یکسال خود را برآورد و پیش‌بینی می‌کند و به تصویب مجلس شورای اسلامی می‌رساند. این دسته از درآمدها و هزینه‌های پیش‌بینی شده را بودجه می‌گویند.

در ۱۹۰۸ عده‌ای از جوانان نظامی ترک انقلاب کردند و به جای حکومت استبدادی سلاطین عثمانی که عنوان خلیفه اسلام را هم داشتند نوعی حکومت مشروطه برقرار کردند و سلطان عبدالحمید خلیفه عثمانی را خلع کردند و برادرش سلطان محمد خامس را به جای وی به سلطنت و خلافت نشانیدند.

اغلب شها پس از شام شاه تنها در اندرون براه میافتد و با عصائی که در دست داشت بدر اطاق هریک از زنهایش میکویید. صاحب اطاق چون در را میگشود از دیدن شاه مشعوف میشد و تعظیمی کرده منتظر میایستاد. شاه دست بزیر زنخ او برده و شوخیهای مناسب میکرد. گاه بیز پس از کوتفتن در خودرا در گوشدای پنهان میساخت و چون خانم از اطاق بیرون میآمد و کسی را نمیدید بگمان آنکه یکی از خدمتکاران با وی نیرنگ باخته دشنامی چند بمرتکب فرضی میداد.

سماع و طریقهٔ مولویه

طریقهٔ مولوی که یکی از مهمترین طریقه‌های تصوف ایران است منسوب به مولانا جلال الدین بلخی شاعر و متفکر بزرگ ایرانی است و در اروپا از سایر فرق تصوف معروف‌تر است زیرا که بسیاری از جهانگردان اروپا در آسیای صغیر با ایشان آشنا شده و به خانقاہ آنان در قونیه رفته‌اند. از آنجا که پیروان این طریقه به سماع اهمیت بسیار می‌دهند و در حال ذکر وجود ونشاط دست می‌افشانند و پای می‌کویند اروپائیان به ایشان (درویشان چرخ زن) یا درویشان رقصنده گفته‌اند.

سال تحصیلی پیاپیان رسید و مجلس امتحان برپا گردید . در تالار بزرگ مدرسه علما و روحانیان بزرگ و وزرا و اعیان و اولیای اطفال (از جمله پدرم) گوش تا گوش بر صندلی نشسته بر امتحان نظارت میکردند . در وسط ، تزدیک دیوار تخته سیاهی بر سه پایه قرار داشت . هر روز یک کلاس را امتحان میکردند . شاگردان را یک یک بتالار خوانده جداگانه می آزمودند .

طهماسب یکم نه تنها مقامات بالا مانند نقابت را از سادات بر می‌گزید بلکه دختر و خواهر خویش را به عقد سادات درآورد و خود نیز همسری از سادات (دختر شاه نعمت‌الله) اختیار کرد. در دوره او علمای دین مورد توجه قرار گرفته، از عنایت دربار بهره‌مند می‌شدند و آنان که «قدر این مراتب و منزلت ندانسته و حفظ دولت خود نتوانستند کرد» به درآمد خود از سیورغال بسنده کردند. منصب صدر که بالاترین مقام دربار بود به علما، واگذار می‌شد.

راجع به تشکیلات و میزان قوا و اصلاحاتی که در راه ترقی نظام ایران در زمان امیر کبیر به وقوع پیوسته است یک نفر سیاح انگلیسی معاصر وی این طور می نویسد: «سپاه ایران اکنون از پنجاه هنگ پیاده نظام و دوازده دسته سوار نظام و دوهزار توپچی و دویست نفر زنبور کچی تشکیل یافته است و هر فوج از هزار نفر که هشت صد نفر آن سر باز و دویست نفر دیگر صاحب منصب و نفرات غیر صفتی هستند به وجود می آید. هر هنگ به ده دسته تقسیم می شود و در رأس هر دسته بک سلطان قرار دارد و هر هنگ تحت فرماندهی سرهنگی است و در رأس هر فوج یک سرتیپ قرار دارد.

قیام ملیون ترک به ریاست مصطفی

کمال پاشا و پیروزی آنان بر قوای یونان که قسمتی از سواحل غربی آسیای صغیر را متصرف شده بود این کشور را از خطر اضمحلال نجات داد و دولت ترکیه جدید را به وجود آورد. از اکتبر سال ۱۹۲۳ حکومت جمهوری در این کشور برقرار گردید و از آن پس دولت جدید تحت سرپرستی مصطفی کمال پاشا (که به علت خدمتش به آتابورک «پدر ملت ترک» ملقب گردیده) با اجرای نقشه های اصلاحی روز به روز رو به ترقی و پیشرفت گذاشت

دوره دوم جنگهای ایران و روس و معاہدۀ ترکمانچای (۱۲۴۱ - ۱۲۴۳)

چهار سال پس از انعقاد عهد نامه گلستان دولت روسیه از پسی بہانه جویی برخاست و مدعی شد که بعضی ازاراضی ایروان جزو عهد نامه گلستان و متعلق به روسیه است و سفیری برای رفع اختلاف به تهران فرستاد. در ضمن قوای روسیه اراضی مورد اختلاف را تصرف کردند. در این هنگام روحانیون فتحعلیشاه را به جنگ با روسیه تحریک نموده بعضی از آنها مردم را به جهاد خواندند، فتحعلیشاه هم مجبور به جنگ شد و هنوز سیزده سال از امضای عهد نامه گلستان نگذشته بود که دوره دوم جنگهای ایران و روس شروع گردید.

از این زمان تا چندین سال حکام عباسی
تنها نامی از حکومت داشتند و دلاوران دیلمی بر
بغداد پایتخت عباسیان و سراسر کشورهای اسلامی
فرمانروایی می‌کردند.

چون پسران بویه پیرو مذهب شیعه بودند از
نظر دینی هم حکام عباسی را برق نمی‌دانستند و
بنابراین هیچ‌گونه احترامی برای آنان قائل نبودند و
هر وقت سیاستشان اقتضا می‌کرد آنان را از کاربرکنار
نمودند.

معزالدolleh احمد که مدت بیست و دو سال بر
بغداد و عراق حکومت داشت در رواج مذهب شیعه
بسیار کوشش کرد و حتی در بغداد دستور داد که
برای نخستین بار مراسم عزاداری شهدای کربلا را
برپا دارند.